

« بسم الله الرحمن الرحيم »

مقاله حجاب در اسلام

در قرآن سه دستور اجتماعی بین افراد خانواده بزرگ با ذکر عناوین ایشان وجود دارد:

۱. حرمت ازدواج: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا * حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبنَاتُ الْأَخِ وَبنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا * وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» (نساء، ۲۲ تا ۲۴)

۲. حرمت ابداء زینت: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور، ۳۱)

۳. حلیت اكل: «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَ لَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَ لَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقَكُمْ» (نور، ۶۱)

موضوع بحث ما حرمت ابداء زینت است.

بر مبنای عقل و روایات و آیات عرض تمامی مکلفین مأمور به عرضه احادیث به قرآن هستند. بر این اساس زن موظف است در برابر عمو و دایی و شوهر دخترش حجاب بگیرد. و تنها وجه و کفین و یا قدمین (بر مبنای روایات که ما ظهر منها را اینگونه تفسیر کرده اند) قابلیت آشکار ساختن در مقابل این

سه گروه را دارد. زیرا ابتدای آیه دستور داده است که باید فقط مظاهر منها آشکار شود و لکن در ادامه کسانی را از این قاعده استثناء مینماید و این استثناء که به صورت مطلق است دلالت بر حرمت ابداء زینت در غیر این افراد دارد. که عمو و دایی و داماد غیر از افراد مذکور در آیه هستند.

پاسخ به شبهات مطروحه

بعضی گفته اند: چون ازدواج با این سه قسم به صورت ذاتی حرام است باید ابداء زینت حلال باشد.

جواب:

۱. اگر این تساوی وجود داشت بیان خلاصه تر این بود که به جای ذکر این همه قسم بیان کند «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ مِنْ حُرِّمٍ نَكَحَهُ عَلَيْهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوَاتِ النِّسَاءِ» چه لزومی داشت که به جای این عبارت که هم کم حجم تر و هم بر مقصود گویاتر است عبارتی طولانی ذکر نماید که تمام مقصود را در بر نمیگیرد، بنا بر این ادعا قرآن بلاغت و فصاحتش مورد خدشه واقع میشود تا چه رسد که معجزه بلاغت و فصاحت باشد. و لکن ادعا باطل است، زیرا قرآن أفصح الکلام است و أبلغه.

۲. ملاک در ابداء زینت نزدیکی خونی نیست بلکه ملاک اشاره شهوت و واقع شدن در گناه است. در حالی که ملاک در حرمت ازدواج میتواند چیز دیگری باشد و آن مربوط به مسائل ژنتیک و احتمال وجود بیماریهایی در فرزند آینده باشد و یا مشخص بودن پدر مومنین و آشفته نشدن نفقه ایشان.

بعضی گفته اند: چون پسر خواهر و پسر برادر را ذکر کرده، خواسته خلاصه گویی کند و عمو و دایی را بیان ننموده.

جواب:

۱. اگر مراد خلاصه گویی بوده است، خلاصه‌تر از این عبارت وجود دارد که خدای سبحان از آن استفاده نکرده است.
۲. اگر چنین بود باید اعمام و احوال را ذکر میکرد و از بنی اخوات و بنی اخوان چشم پوشی مینمود زیرا آن دو خلاصه‌تر از این دو هستند.
۳. اگر چنین بود باید یکی را اعمام و دیگری را بنی اخوات ذکر میکرد تا بفهمیم هر دو مقصودند.
۴. اگر قصد بر خلاصه گویی بود شوهر را ذکر نمیکرد زیرا ابداء زینت در مقابل شوهر و حتی بالاتر از آن در آیات دیگر موجود بود. «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون، ۶ و ۷).
۵. اگر چنین بود چرا در سوره احزاب ایشان را ذکر نکرد؟ در قرآن دو آیه برای حجاب وجود دارد که یکی عمومیت دارد و دیگری خاص به نساء پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. انسان حکیم که قصد خلاصه گویی دارد باید یکی را اعمام و احوال ذکر کند و دیگری را بنی اخوات و بنی اخوان ذکر کند تا مخاطب بفهمد این دو از نظرش یکسان هستند. ولی خدای تعالی چنین نکرد: «لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِي آبَائِهِمْ وَلَا أَبْنَائِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِمْ وَلَا أَخَوَاتِهِمْ وَلَا نِسَائِهِمْ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا» (احزاب، ۵۵) از این که عینا تکرار شده اند عقل حکم میکند که اعمام از دایره استثناء خارج هستند.
۶. خلاصه گویی در جایی که مضر به معنا باشد بر خلاف حکمت است، همانطور که اطناب در غیر جای خودش خلاف حکمت می باشد.

بعضی گفته اند: چون ما در فهم معنای ما ظهر منها نیاز به روایت داریم بنا بر این حصر نسبی است و هر چه روایت در مخالفت با دلالت آیه به افراد آن اضافه کند صحیح میباشد.

جواب:

- ما ظهر منها اگر بر فرض، نیاز به روشن شدن از طرف روایت داشته باشد، بالاتر از تعداد رکعات در الصلاة نیست. و اگر ما برای فهم رکعات نماز به روایت نیاز داریم دلیل نمیشود که وجوب نماز را هم از قرآن نفهمیم، در اینجا هم قبل از رجوع به روایت در ذهن ما، مردم به دو دسته تقسیم میشوند یک عده که تنها میتوانید ما ظهر منها را به آنها نشان بدهید و یک عده که میتوانید غیر از ما ظهر منها را نیز به آنها نشان بدهید. بعد از رجوع به روایت میفهمیم ما ظهر

منها وجه و کفین و یا قدمین است، این دلیل بر آن نمیشود که آنچه فهمیده ایم را نیز کنار بگذاریم.

بعضی گفته اند: موارد دوازده گانه با غض نظر از روایات، توضیح افرادی است که میتوان به ایشان ما ظهر منها را نشان داد. و چون شوهر در این موارد ذکر شده است نباید به غیر از وجه و کفین را به او نشان داد بنا بر این اختلال نظام به وجود می آید زیرا هیچ بچه ای تولید نخواهد شد.

جواب:

۱. مثلاً اگر انسان حکیم و فصیح و بلیغ بگوید وسایل این کیف را به هیچ کس مگر این خودکار، و وسایل این کیف را به هیچ کس مگر به حسن و حسین. این برداشت نمیشود که مقصود از وسایل این کیف در جمله دوم همان خودکار است. زیرا اگر مقصود آن بود میگفت: وسایل این کیف را به هیچ کس مگر این خودکار را و فقط به حسن و حسین. تکرار او دلیل بر تفاوت در مستثنی منه است.

۲. در قسمت اول بیان ما ظهر منها بعد از یحفظن فروجهن بوده که نشان از بیان قاعده عمومی بدون در نظر گرفتن اشخاص دارد ولی در قسمت دوم چنین نیست.

۳. بیان بعولتهن در قسمت دوم خود دلیل بر مقصود نبودن ما ظهر منها است، زیرا در آیات مختلف قرآن ذکر شده است ابداء فرج در مقابل همسر مانعی ندارد. بنا بر این اگر بر فرض کسی بین در نظر گرفتن ما ظهر منها و ما بطن منها شک داشته باشد با مشاهده کلمه بعولتهن شک او برطرف میشود و مطمئن میشود که ما بطن منها مقصود است.

بعضی گفته اند: عقل حکم میکند که این دو (عمه و عمو) چون به یک اندازه به انسان نزدیک هستند باید یا ابداء زینت در هر دو جایز باشد یا در هر دو نباشد.

جواب:

- همانطور که عرض کردیم ملاک اثاره شهوت است، چون حکم عقل در اینجا قطعی نیست نمیتوان به آن اعتماد کرد و دلالت آیه را رد کرد. توضیح آن که: مسائل در مقابل عقل بر سه قسم است یا مخالف قطعی عقل است مثل تثلیث اله یا موافق قطعی عقل است مثل توحید اله یا

نه موافق و نه مخالف عقل است مثل عدد رکعات نماز. بنا بر این همین که معلوم بشود عقل در این مورد حکم قطعی ندارد برای پذیرش تعبدی آن کافی است. و از آنجا که مردان عموماً نسبت به خانمی که از خودش کوچکتر باشد یا همسن باشد زودتر تحریک میشوند، و از طرفی عموماً عمو و دایی از خواهر زاده و برادر زاده خود کوچکتر هستند، پس احتمال دارد که عمو و دایی زودتر تحریک بشوند. و وجود این احتمال در رد حکم عقلی متوهم کافی است.

بعضی گفته اند: عبارت ماملکت ایمانن دلالت بر غلام نیز میکند، پس اگر ابداء زینت در مقابل او جایز باشد به طریق اولی در مقابل عمو و دایی جایز است.

جواب:

- همانطور که قبلاً گفتیم واقع شدن در گناه ملاک است و در این مثال هم اولویت جاری نیست زیرا ممکن است غلام که بردگی اش بر مبنای ترس باقی است (اگر نمیترسید که از بردگی فرار میکرد و آزاد میشد) از نزدیک شدن به مالک خودش آنچنان بترسد که باعث شود شهوتش تحریک نشود. صرف وجود این احتمال کافی است برای جلوگیری از جاری شدن قیاس اولویت.

بعضی گفته اند: مقصود از غیر اولی الاربة من الرجال کسی است که به این خانم شهوت ندارد بنا بر این عمو و دایی را هم شامل است زیرا این دو معمولاً نسبت به خواهر زاده و برادر زاده شان شهوت ندارند.

جواب:

- آیه نفرموده است که غیر اولی الاربة بالنسبة الیهن، بنا بر این این رجال ذاتاً نباید دارای شهوت باشند. مانند خواجهگان که در گذشته وجود داشتند. یا رجال عجوز که در اثر سن زیاد شهوتشان تحریک نمیشود اساساً. و لکن اگر کسی ادعا کند بین عمو و برادر زاده اش نیز شهوت وجود ندارد این مطلب قابل اثبات نیست و آیه هم این را بر نمیتابد زیرا اگر عمو و دایی مقصود بودند در قسمت نسبی ها ذکر میشدند و معلوم است که اینها التابعین هم نیستند. زیرا عمو و دایی تابع زن نیستند بلکه زن تابع عمو یا دایی اش است. پس داخل در التابعین غیر اولی الاربة من الرجال نیستند.